

## آشنایی زدایی معنایی در شعر اسلامی معاصر (بررسی موردی؛ آرایه تشخیص در شعر هارون هاشم رشید)

عبدالحمد احمدی<sup>۱</sup> (استادیار دانشگاه زابل)، فؤاد عبدالله زاده (استادیار دانشگاه زابل)، سعید نارویی (کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۱۴

تأریخ الوصول: ۲۰۱۹/۰۲/۰۶

صفحات: ۵۶ - ۳۹

تأریخ القبول: ۲۰۱۹/۰۴/۰۳

### چکیده

تکنیک آشنایی زدایی یکی از ویژگی‌های سبکی در ادبیات به شمار می‌آید که برای اولین بار توسط فرمالیست روسی "ویکتور شکولوفسکی" مطرح گردید. او کارکرد ادبیات را آشنایی زدایی می‌داند چون که ذهن را از عادت زدگی دور می‌کند و با ایجاد شعریت در کلام باعث لذت ادبی می‌شود. هارون هاشم رشید شاعر اسلامی معاصر از آشنایی زدایی به ویژه آشنایی زدایی معنایی به صورت گسترده بهره گرفته است. با توجه به اهمیت این مختصه در سبک‌شناسی، به نظر می‌رسد، بررسی آن در شعر هارون هاشم رشید، برای شناخت هرچه بهتر سبک شعر وی، امری ضروری می‌نماید. بر این اساس در پژوهش حاضر اشعار این شاعر به شیوه توصیفی تحلیلی از رهگذر تشخیص (انسان‌گونگی) مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ تا میزان نقش زیباشناختی این تکنیک، در ساخت سبک شعری او مشخص گردد؛ نتایج تحقیق بیانگر آن است که وی در به‌کارگیری آشنایی زدایی معنایی، مبتنی بر تشخیص توجه خاصی داشته است و می‌توان گفت مهمترین ویژگی سبک شعری او به شمار می‌آید. تصاویری که شاعر با بهره‌گیری از تشخیص ارائه می‌دهد بیانگر احساسات و عواطف صادقانه شاعر و دل‌بستگی شدید او نسبت به فلسطین و تراژدی مردمان آن است به گونه‌ای که همه چیز با او هم‌نوا شده است حتی پدیده‌های طبیعی و امور انتزاعی و مجرد.

واژگان کلیدی: شعر اسلامی معاصر، سبک‌شناسی، آشنایی زدایی معنایی، تشخیص، هارون هاشم رشید.

### الانزياح الدلالي في الشعر الاسلامي المعاصر (تقنية التشخيص في شعر هارون هاشم رشيد مؤذجا)

عبدالحمد أحمدی (الأستاذ المساعد، جامعة زابل)، فؤاد عبدالله زاده (الأستاذ المساعد، جامعة زابل)، سعید نارویی (المجستير في الأدب العربي)

### المخلص

تعدّ تقنية الانزياح خاصّة أسلوبية للنص الأدبي. وقد تحدّث عن هذا المصطلح للمرة الأولى الناقد الروسي «فيكتور شكولوفسكي»، واعتبر أنّ وظيفة الأدب ليست إلّا عملية الانزياح؛ لأنّها تنأى بالعقل عن المألوف والصيغ الاعتيادية، وتقوم بخلق الشعرية في النص، وتبعث الشعور باللذة الأدبية. وقد تجلّت ظاهرة الانزياح في شعر الشاعر الفلسطيني الإسلامي هارون هاشم رشيد على نطاق واسع ولاسيما الانزياح الدلالي وبالنظر إلى أهمية هذه الظاهرة الأسلوبية يبدو أن دراستها في شعر الشاعر ضرورية لمعرفة أسلوبه الشعري. وبناءً على هذا، فإنّ هذه الدراسة تقوم على أساس من المنهج الوصفي التحليلي بمعالجة مجموعة من قصائد هارون هاشم رشيد معتمدة في ذلك على تقنية التشخيص لتوضّح الدور الجمالي لهذه التقنية في صياغة الأسلوب الشعري عند الشاعر. تشير نتائج الدراسة إلى أنّ الشاعر اهتمّ اهتماما بالغا بتوظيف الانزياح الدلالي القائم على التشخيص (الاستعارة المكنية) وتعدّ هذه التقنية من أهمّ السمات الأسلوبية في شعره. فالصورة التي بناها الشاعر على أساس من التشخيص تفصح عن المشاعر الصادقة للشاعر ومدى صلته بقضيّة فلسطين ومأساة أهلها؛ فيتماشى معه كل شيء حتى المظاهر الطبيعية والأمر المجرّد ونستطيع القول إن نصوص الشاعر مستقطبة حول الأيديولوجيا الإسلامية ومركزة بشكل أساسي على انتمائه إلى ثقافة المقاومة والروح الجهادية.

الكلمات الرئيسية: الشعر الإسلامي المعاصر، الأسلوبية، الانزياح الدلالي، التشخيص، هارون هاشم رشيد

## ۱- مقدمه

### ۱-۱- بیان مسئله

پدیده آشنایی‌زدایی از تکنیک‌های مهم در پژوهش‌های سبک‌شناسی و زبان‌شناسی مدرن است که متون شاعرانه را بر این اساس که برخلاف زبان معیار و آشنا هستند، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد (الشتیوی، ۲۰۰۵: ۸۴). برخی فرمالیست‌های بزرگ همچون «ویکتور شکلوفسکی» (۱۸۹۳-۱۹۸۴م)، ناقد روسیتبار که برای اولین بار این اصطلاح را مطرح کرده‌کار کرد ادبیات را آشنایی‌زدایی می‌دانست (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۱۰۵).

از آنجاکه کلمات و جملات، مواد تشکیل‌دهنده پیکره متن هستند، آشنایی‌زدایی می‌تواند در بخش‌های زیادی از این کلمات و جملات بیاید، به همین جهت می‌توان آن را به دو نوع اساسی تقسیم کرد که همگی انواع آشنایی‌زدایی در آن بگنجد (همان: ۷۴) نوع اول به جوهره زبان مربوط است، "جان کوهن" آن را «آشنایی‌زدایی معنایی یا جایگزینی» نامیده است (کوهن، ۱۹۸۶م: ۵؛ ویس، ۱۴۱۶هـ.ق: ۶۰)؛ که مصداق بارز آن استعاره است. نوع دوم به ترکیب کلمه با کلمات دیگر در سیاق مربوط است که آشنایی‌زدایی «ترکیبی یا ساختاری» نام دارد (کوهن، ۱۹۸۶: ۵). این نوع از آشنایی‌زدایی از به هم خوردن ترکیب معمول زبان معیار حاصل می‌شود که در تقدیم، تأخیر، التفات، حذف و اضافه نمود پیدا می‌کند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵).

با توجه به جایگاه این پدیده در پژوهش‌های ادبی، این مقاله بر آن است تا از رهگذر تکنیک تشخیص که از انواع آشنایی‌زدایی معنایی به شمار می‌آید، به واکاوی اشعار هارون هاشم رشید (۱۹۲۷م)، شاعر معاصر و اسلام‌گرای فلسطینی بپردازد و با پرداختن به میزان نقش این شگرد ادبی در ساخت سبک شعری وی به سؤالات ذیل پاسخ دهد:

- دلایل توجه هارون هاشم رشید در تصویرگری به آرایه تشخیص چیست؟
- کاربرد تشخیص در نزد شاعر از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟

### ۲-۱- پیشینه پژوهش

در مورد تکنیک آشنایی‌زدایی در شعر هارون هاشم رشید هیچ‌گونه پژوهش مستقلی به نگارش در نیامده است؛ اما پژوهش‌هایی که به نوعی مرتبط با موضوع تحقیق است به شرح زیر است: بیاری (۲۰۰۶م)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «الموضوعية والفنية في شعر هارون

هاشم رشید» ابعاد موضوعی و فنی شعر شاعر را مورد بررسی قرار داده است؛ و به این نتیجه دست یافته است که در اشعار هارون هاشم مضامینی چون دفاع از وطن، شهادت در راه آزادسازی وطن، از ارزش و جایگاه خاصی برخوردار است، اما در بنا و ساختار قصیده از تصنعات فنی و مبالغه آمیز دوری کرده است. در تصویرپردازی شعری از مصادر متنوع بهره گرفته است و به موسیقی شعر اهمیت زیادی داده است. نصار، ولید (۲۰۱۰ م)، در پایان نامه دکتری تحت عنوان «تعدد الأصوات فی شعر هارون هاشم رشید» به بررسی شگرد چند صدای و تعدد شخصیتها در شعر شاعر پرداخته و چنین نتیجه گرفته است که شاعر از این شگرد به بهترین شکل بهره گرفته است؛ به گونه ای که ابعاد ایدئولوژیک، روان شناسانه و احساسات درونی شاعر در قالب شخصیات متعدد نمود پیدا کرده است؛ و اینکه هارون هاشم رشید در رساندن معنای نوین شعری، از تکنیک های نو سود جسته است. نامداری (۱۳۹۰ ش)، در پایان نامه دکتری تحت عنوان «آشنایی زدایی در شعر شاعران رمانتیک عرب با بررسی اشعار خلیل مطران، نازک الملائکه و بدر شاکر السیاب» پس از تعریف آشنایی زدایی و بیان انواع آن، به بررسی دو نوع آشنایی زدایی جایگزینی و ساختاری در شعر شاعران رمانتیک مذکور پرداخته است. زارعی (۱۳۹۲ ش)، در مقاله ای تحت عنوان «صورت گرایی و آشنایی زدایی در شعر ابوالقاسم شابی» پس از ارائه آرای فرمالیست ها در زمینه ادبی، به بررسی شعر شابی پرداخته و یکی از ویژگی های برجسته شعر وی را آشنایی زدایی دانسته است نجیه (۲۰۱۳ م). در مقاله ای با عنوان «صورة اللاجیء الفلستانی فی شعر هارون هاشم رشید دیوان "مع الغرباء" نموذجاً» به بررسی اوضاع دردناک و غم انگیز پناهندگان و آوارگان فلسطینی از خلال اشعار هارون هاشم رشید پرداخته است و به این نتیجه دست یافته است که مسئله فلسطین و بازتاب تغییر و تحولات زندگی فلسطینیان، از مهم ترین مضامین شعری در دفترهای شاعر است؛ و اینکه تمام ادبیات فلسطین در ادب پناهندگان و آوارگان خلاصه شده است.

### ۳-۱- ضرورت انجام پژوهش

هارون هاشم رشید شاعر متعهد و اسلامگرای معاصر فلسطینی است که عصاره تجربه روحی و شعری او در مفهوم مقاومت و مفاهیم مرتبط با آن می گنجد. او توانسته است با به کار گیری شگردهای مختلف آشنایی زدایی و آفرینش تصاویری نو از تکرار مفاهیم کلیشه ای و ساختارهای متعارف فاصله بگیرد. با بررسی دفترهای شعری شاعر بسامد بالای تکنیک تشخیص که از شگردهای آشنایی زدایی معنایی به شمار می آید، مشاهده شد. از آنجایی که تکنیک آشنایی زدایی در سبک شناسی جدید از اهمیت

بالایی برخوردار است؛ از این رو ضرورت پرداختن به این موضوع امری لازم به نظر می‌رسد. از سوی دیگر ادب اسلامی معاصر از طرف بعضی ناقدان به اشتباه در مظان اتهام خطاب‌گویی و توجیه کردن اخلاقیات و مباحث ایدئولوژیک بوده، این پژوهش می‌تواند با تبیین زیبایی‌های هنری و ادبی تکنیک ادبی آشنایی‌زدایی معنایی در شعر شاعر گام کوچکی در جهت رفع این شبهه نادرست از شعر اسلامی معاصر برداشته باشد.

#### ۴-۱- معرفی شاعر

هارون هاشم رشید در سال ۱۹۲۷مدر محله‌ی زیتون، یکی از محله‌های شهر غزه دیده به جهان گشود. او از شاعران دهه پنجاه فلسطین به شمار می‌رود که به «شعراء النکبة» یا «شعراء المخيم» شهرت یافته‌اند؛ محور و شالوده تجربه و مفاهیم شعری وی بر مدار «مسئله فلسطین» و جهاد و مبارزه در راه آزادی آن می‌چرخد. پایداری و مبارزه برای رهایی فلسطین با هدف وحدت همه مسلمین به دور از هرگونه مفهوم قوم‌گرایی و ملی‌گرایی صرف، از بنیان‌های مکتب ادب اسلامی معاصر است. به قول سلمی خضراء الجیوسی، هاشم رشید نقطه عطفی در تاریخ شعر فلسطین است؛ چرا که او همه شعر خود را به توصیف غربت روحی و روانی فلسطینی‌ها اختصاص داده است (الجبیوسی، ۱۹۹۷: ۲۴۵). این شاعر اسلام‌گرای معاصر خود به صراحت نقطه شروع تعهد سیاسی و ادبی خود را به تجربه درگیری‌های مبارزان فلسطینی و بریتانیایی‌ها و به شهادت رسیدن مبارزان پیش چشم او در سن هفت‌سالگی‌اش پیوند می‌زند (العالم و دیگران، ۱۹۹۸: ۳۰۴). اولین دیوان شعری وی به نام «مع الغرباء» (همراه با غریبه‌ها) است که در آن به موضوع اشغال وطن و تأثیرات فاجعه ۱۹۴۸ و عواقب ناخوشایند آن بر ملت فلسطین پرداخته است و همان طوری که از نام دیوان‌های او (حدود ۲۰ دفتر شعری) برمی‌آید، فلسطین و مفاهیمی چون مبارزه و بازگشت به سرزمین در بیشتر عنوان دفترهای شعری به چشم می‌خورد، وی خطاب به فلسطینیان می‌گوید:

إِلَيْهِمْ... فَصَيِّدِي / وَمَا أَنْظُمُ وَشَعْرِي / وَمَا فِي دَمِي يُضْرَمُ (هاشم رشید، ۲۰۰۵: ۷).

(من تمام سروده‌ها و اشعار خودم و آنچه که در خونم می‌جوشد را به مجاهدان فلسطینی

تقدیم می‌کنم).

هاشم رشید حوادث سیاسی و تاریخی معاصر فلسطین را مواد خام تجربه روحی خود قرار می‌دهد و سعی دارد با پرداختن هنرمندانه و ترکیب‌های ابداعی غمنامه معاصر فلسطینیان و جهان اسلام را از نو بازنویسد. بخشی از تصویرپردازی‌های شاعرانه هارون هاشم رشید با بهره‌گیری از ظرفیتهای مختلف

زبانی و با مدد تکنیک آشنایی زدایی به ویژه آشناییدایم معنایی صورت پذیرفته است.

## ۲- آشنایی زدایی معنایی در اشعار هارون هاشم رشید

پژوهش‌های سبک‌شناختی جدید، مقوله‌ی آشنایی‌زدایی در زبان ادبی را، از مقابله بین نظام کلی زبان و کاربرد فردی آن پذیرفته‌اند (الرازی، ۱۹۸۰: ۱۹۱). برخی از پژوهشگران برآنند که مفهوم آشنایی‌زدایی موجب بارور شدن سبک‌شناسی در تحلیل گشته است و در پرتو آن می‌توان بسیاری از تحلیل‌های بلاغی در زبان عربی را باز توصیف نمود (المسدی، ۲۰۰۶: ۱۶۴).

صور بلاغی همچون کنایه و تشبیه، مجاز و استعاره، رکن اساسی در تصویر شعری هستند، به‌گونه‌ای که زمینه مناسبی را ایجاد می‌کنند تا زبان شعر از وجود تعابیر کلیشه‌ای و به‌کارگیری ترکیب‌های معمولی رایج فاصله گیرد (فوغالی، ۲۰۱۲: ۸۱) و نوعی آشنایی‌زدایی معنایی یا جایگزینی به وجود آید.

هنگامی که از سطح جایگزینی یا معنایی کلمات سخن به میان می‌آید، به‌طور خاص باید از استعاره سخن گفت، چراکه استعاره جوهری است که شعر بدون آن هیچ پایه‌ای ندارد. استعاره عبارت است از تشبیهی که یکی از طرفین (مشبه یا مشبه‌به) حذف شده باشد، به همین خاطر یکی از بلیغترین درجات وجوه تشبیه است. در استعاره آن اندازه که جنبه تأثیرپذیری (تفعل) مدنظر است، جنبه جایگزینی کلمه‌ای به جای کلمه دیگر مدنظر نیست، چون اگر این‌گونه بود معنای اصلی در استعاره پنهان نمی‌شد (ریتشاردز، ۲۰۰۲: ۲۶۶).

در شعر هارون هاشم رشید نیز یکی از روش‌های تصویرگری که از آن جهت بیان احساسات درونی و دغدغه‌های فکری بهره برده شده استعاره است. اساس استعاره بر جایگزینی هویت مستعار به جای هویت حقیقی یک شیء یا مفهوم خاص است که خود در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته تقسیم می‌گردد: استعاره تصریحیه و استعاره مکنیه که تشخیص مصداقی از استعاره مکنیه است.

### ۲-۱- تشخیص

دانشمندان قدیم علم بلاغت، استعاره را از جوانب مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند و اصطلاحاتی متنوع برای آن وضع نموده‌اند؛ ولی "تشخیص" اصطلاح نوینی است که در آثار قدما ذکری از آن به میان نیامده، هرچند در قالب "استعاره مکنیه" به آن توجه شده است. اصطلاحات فارسی چون "آدمی گونگی"، "جاندار پنداری" و "آنیسم" بر این نوع از استعاره نظر دارد. «تشخیص نوعی اسنادی مجازی

و از مباحث فن بیان است، در ادبیات فارسی و عربی، همچون دیگر زبانها، به فراوانی به کار می‌رود. در ادبیات غرب از دیرباز به آن توجه شده است؛ از جمله ارسطو در رساله "خطابه"، به آن اشاره کرده و به‌نوعی آن را نیروی حرکت و حیات بخشیدن به اشیاء خوانده است» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۷۰).

کدکنی از قولنقادان اروپایی نقل می‌کند که تشخیص، بخشیدن ویژگیهای انسانی به غیر انسان و یا «بخشیدن صفات انسان به‌ویژه احساس انسانی به چیزهای انتزاعی، اصطلاحات عام و موضوعات غیرانسانی یا چیزهای زنده‌ی دیگر» است و از آن در ادبیات اروپایی با عنوان Personification و Vividness تعبیر می‌کنند (۱۳۷۸: ۱۵۰ و ۱۵۱).

شفیعی کدکنی با جستجو در آثار بلاغی و نقد قدیم به این نتیجه دست می‌یابد که «همه جا منظور از استعاره بالکنایه یا مکنیه، همین مسئله تشخیص است با این تفاوت که در حوضه تشخیص از انسان به حیوان وسعت یافته است» (همان: ۱۵۳).

لازم به ذکر است استعاره مکنیه، زمانی مصداق آرایه تشخیص قرار می‌گیرد که شاعر با تکیه بر تخیل خود، اشیاء بیجان و امور مجرد ذهنی را به‌صورت موجودی زنده دارای حرکت و احساس درآورد. این تکنیک ادبی در میان رمانتیکها بسیار شایع بود، چراکه آنان پدیده‌های مختلف طبیعی را به‌مانند انسانهایی فرض می‌کردند که با آنان احساس همدردی و همنوایی کرده‌اند، با غم و غصه آنان ناراحت میشدند و از خوشحالی آنان شادمان می‌گشتند؛ به‌عبارت‌دیگر تشخیص بخشیدن اوصاف زندگی انسانی به جامدات یا موجودات غیرزنده است (عبدالنور، ۱۹۸۴: ۶۷).

با بررسی اشعار هارون هاشم رشید درمی‌یابیم که او علاوه بر جان‌بخشی به جامدات حسی و مادی، به امور انتزاعی و مجردهم گوشه چشمی داشته است. از دیگر ویژگیهای تشخیص در شعر وی مشاهده گستره عواطف انسانی به درون اشیاء و همدلی او با پدیده‌ها و غلبه تخیل شاعر بر طبیعت است. در قسمت بعدی پژوهش به نمونه‌هایی از اشعار هاشم رشید که نمایانگر ویژگی سبکی او در بهره‌گیری از آرایه تشخیص است، پرداخته می‌شود.

### ۱-۲-۲- تشخیص امور حسی و مادی

هارون هاشم رشید با استفاده از نیروی تخیل خود به صورت گسترده در امور حسی و مادی تصرف نموده است و به آنها جلوه‌های انسانی داده است و با بررسی پدیده تشخیص در شعر وی می‌بینیم که همه عناصر مادی و حسی بیجان طبیعت در برابر ما سرشار از زندگی، حرکت و حیات است؛ مثلاً شاعر در توصیف باد که یک امر مادی و محسوس است چنین می‌گوید:

وَيَسْمَعُ هَمَّاتِ الرِّيحِ/وَهِيَ تَصِيحُ "وَاعْرَبَاهُ" (هاشم رشید، ۲۰۰۵: ۶۴۷/۱).

(او صدای نامفهوم و آهسته‌ی باد را می‌شنود/ درحالی‌که (باد) فریاد برمی‌آورد «ای جهان عرب به دادم برسید»).

فریاد برآوردن از ویژگیهای انسان است، شاعر از طریق استعاره مکنیه (تشخیص) این خصوصیت انسانی را به "باد" که -شیء بی‌جان است- داده است. شاعر فریاد باد را به فریاد فرد مظلوم همانند ساخته است و مستعار منه (انسان) را حذف و ویژگی آن (فریاد برآوردن، استغاثه نمودن) را برای مستعار له (باد) ذکر کرده است. شاعر از طریق شگرد تشخیص نوعی پارادوکس<sup>۱</sup> نیز ایجاد کرده است؛ به این صورت که از یک طرف باد را انسانی با صدایی آهسته توصیف می‌کند و از طرفی فریاد زدن را به او نسبت می‌دهد.

درواقع شاعر با جاندار پنداری و شگرد تشخیص در گزارهای پارادوکسیکال از کاربرد معمول کلمات زبان عدول کرده و دست به آشنایی زدایی زده است؛ و با به چالش کشیدن ذهن مخاطب نگاه وی را جلب نموده است و پس از نوعی غافلگیری و دریافت معنای مورد نظر، لذت ادبی را برای وی به ارمغان آورده است.

در ادامه این سطر شعری شاعر حالت کمک خواهی ویاری طلبی افرادی که در زندان و اسارت صهیونیست‌ها قرار گرفته‌اند و فریاد «واعرباه» برمی‌آورند را به تصویر کشیده است؛ در اینجا شاعر با تلمیحبه حادثه‌ای تاریخی<sup>۲</sup> به بیان مقصود امروز خود پرداخته و درواقع بار دیگر از بیان هنجار عدول نموده است و با اشاره به واقعه تاریخی "فتح عموره" توسط خلیفه عباسی "معتصم بالله" که برای فریادرسی آن زن مظلوم قیام کرد، به‌صورت آگاهانه دست به آشنایزدایی معنایی زده است.

شاعر می‌خواهد با تداعی شدن آن واقعه در اذهان، حس مبارزه طلبی و روحیه عزتمندی جامعه عرب و به ویژه حاکمان عرب را بیدار کند و فردی همچون معتصم را برای فریادرسی این ملت ستم دیده ویاری طلب برانگیزد. صدای آه و ناله این افراد را به خاری در چشم خفته افراد جامعه تشبیه نموده است و انتظار برآشفتن از خواب غفلت و انتقام‌گیری توسط قهرمانی هم چون معتصم که تا زمان انتقام‌گیری آن زن مظلوم خواب بر چشمانش ننشست، را دارد. شاعر در این باره می‌گوید:

صوتُ الآه/ مثل الشوکفی عینہ/ یُغرز (همان: ۶۴۷/۱).

(صدای آه (ناله)/ همچون خاری در چشمانش، فروبرده می‌شود)

شاعر با نسبت دادن "صوت" به "آه" نوعی تشخیص بوجود آورده است و با تشبیه "صوت الآه" به

"شوک" و اسناد "غرز" به "صوت" میان حس شنوایی و بینایی آمیختگی ایجاد کرده و "آه" که مربوط به حس شنوایی استبه حس بینایی نسبت داده است. این روش در علم بلاغت به تکنیک حس‌آمیزی<sup>۳</sup> معروف است و کاربرد مؤثر آن می‌تواند «گستره ادراک را وسعت بخشد» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۱۹). در جایی دیگر شاعر با بهره‌گیری از قدرت تصویرگری تشخیص، چشم را اینگونه توصیف می‌کند:

عَيْنُ الشَّاعِرِ الْمَهْمُومِ / سَاهِرَةٌ، / فَلَمْ تَتَمَّ / تُحَاوِلْ، / أَنْ تَقْبَلَ، / كَلَّ شَبْرًا / نَازِفًا / بِدَمِّ (هاشم رشید، ۲۰۰۵/۶۴۵).

(چشم شاعر غمدیده/ بیدار است،/ و بستر خواب بر آن نیافته،/ می‌خواهد تا وجب به وجب جایی که خون (شهید) بر آن چکیده را، بوسه زند).

در این عبارت، شاعر "چشم" را به انسانی مشتاق که جایگاه شهید و شهادت را دانسته، همانند می‌سازد که می‌خواهد بر وجب‌به‌وجب جایی که خون شهید بر آن چکیده، بوسه زند.

شاعر با استعاره بوسه زدن چشم از طریق آدم‌گونگی علاوه بر خلق تصویر شعری، نوعی هنجارشکنی معنایی به وجود آورده است. از طرفی شاعر از تکنیک مجاز مرسل (كَلَّ شَبْرًا نَازِفًا) با قرینه‌ی محلیه (ذکر محل و مراد از آن حال) استفاده نموده است؛ زمین را ذکر کرده و مراد او شهیدی است که بر زمین افتاده و خونس می‌چکد، با ذکر مجاز مرسل بر جنبه برجستگی زبان شعری افزوده شده است. افزون بر این صور بلاغی، شاید بتوان نوعی هنجارگریزی جدیدی در این مقطع از شعر هاشم رشید دید و آن اینکه؛ خواب نرفتن چشم شاعران را که مفهومی دیرینه است و دلایلی همچون غم یار و... دارد با نگاهی جدید به تصویر کشیده می‌شود. شاعر دلیلی جدید برای نخواستن ذکر کرده و از معنایی کلیشه‌ای سر باز زده و می‌خواهد به مخاطب بگوید که مسئله فلسطین است که خواب را از چشم شاعر معاصر عرب ربوده نه چیزی دیگر.

یکی از شاخص‌های مکتب ادبی اسلام‌گرایی معاصر دمیدن روح امید و نویدبخشی بعد از پرداختن به مفاهیم واقع‌گرایانه تلخ و دشوار جوامع اسلامی است. در حقیقت این مکتب بعد از به تصویر کشیدن شرایط نابسامان جوامع اسلامی مخاطب را در بدبینی و یأس و ناامیدی رها نمی‌کند، بلکه همواره می‌کوشد او را کنشگری مفید در راه اصلاح جامعه بداند. هارون هاشم رشید در میان انبوهی از مشکلات که او و مردم فلسطین را فرا گرفته است باز هم چشم امید به آینده بسته است و تاریخ را از آن ملت فلسطین میدانند و می‌گوید:

لَهَا قَلَمٌ يَخْطُ / الصِّدْقَ، / يَسْطُرُ أَرْوَاعَ الْكُتُبِ / يَقُولُ، / فَيُؤَمِّي / التَّارِيخَ يَجْتُو رَاكِعَ الْهُدْبِ (هاشم رشید،



۲۰۰۵: ۷۲۴/۱).

(قلمی دارد که سخن راست را می‌نویسد و بهترین کتابها را به رشته تحریر درمی‌آورد، بر زبان می‌آورد و گاهی اشاره می‌کند، پس تاریخ همچون انسانی زانو میزند و از شرمندگی مژگان را پایین میاندازد (چشمان خود را فرو می‌بیند).

در اینجا شاعر ویژگی سخن گفتنو اشاره نمودن که از وابسته‌های انسان است را به قلم نسبت می‌دهد؛ به تاریخ جان انسانی می‌بخشد، آن را دارای چشمو مژگان می‌داند و به انسانی که برزانو افتاده تشبیه می‌کند تا از این رهگذر روح امید در جامعه بدمد و به حرکت هموطنانش در راه رسیدن به آرمانهایشان جان تازه‌ای بخشد. بخش عمده تشخیص‌های موجود در اشعار شاعر در ارتباط با طبیعت است و جالب‌توجه است که این تشخیص‌ها در راستای مفاهیم پایداری و تعهد ادبی او به مسئله فلسطین به کار گرفته می‌شود. گویا شاعر می‌خواهد تجربه تلخ غصب وطن و تجاوزگری دشمن عنود در بخش کوچکی از این جغرافیای وسیع جهان را به کلان روایت و تجربه‌ای انسانی تبدیل کند و این مفهوم را با تصویر همدلی طبیعت و به ستوه آمدن و فریادخواهی عناصر آن ترسیم می‌کند. توصیف عناصر طبیعت بر پایه میزان انفعال شاعر با طبیعت و اثربخشی آن در بیان آلام درونی شاعر پی‌ریزی می‌شود نه بر پایه توصیف‌های قائم به ذات و مستقل آن عناصر (بیاری، ۲۰۰۶: ۳۸). بدین ترتیب پدیده‌های طبیعی از ماهیت خود فاصله می‌گیرند و رخت نمادهایی ادیبیر تنمی‌کنند که با پویایی و حیات الهام گرفته‌شان از طبیعت، در شعر هارون و شعر اصیل مقاومت جاودانه می‌شوند.

شاعر علاوه بر قلم، اشیاء عینی و بی‌جان زیادی همچون: سنگ، کمانچه، مسجد، زمین و باد و غیره را با خود هم‌نوا ساخته است و می‌گوید:

و تُكَيِّرُ حَتَّى الْأَحْجَارِ، / تُشِيدُ بِحَيِّ الدَّمِّ... / تَتَعَالَى الصَّيْحَاتُ (هاشم رشید، ۲۰۰۵: ۷۴۲/۱).

(همه تکبیر می‌گویند (و شعار خودباوری سرمی‌دهند)، حتی سنگ‌ها هم (با دیگران هم‌نوا

شده‌اند) این شعار را سرمی‌دهند: (بحی الدم) زنده‌باد خون شهید. پس فریادها بلند می‌شود).

شاعر، سنگرا که موجودی بیجان است مانند خود متأثر از اوضاع سرزمینش دانسته است تاشور و اشتیاق به ادامهی راه شهادت و مبارزه با اشغالگران را در درون هر آزاده‌ای شعله‌ور سازد. در واقع در اینجا با استفاده از آرایه تشخیص نوعی آمیختگی بین واقعیت تلخ امروز و بین آینده روشن ایجاد شده است و در این خصوص باید گفت که امید به آینده و آزادی خود از مهمترین اصول بنیادین

شعر هارون هاشم به شمار می‌آید.

إِنَّ رَبَّائِي شَجَوَى، /... تَقُولُ لَنَا هُوَ الْعَازِي (هاشم رشید، ۲۰۰۵: ۶۴۲/۱).

(کمانچه من غمگین است... به ما می‌گوید که او اشغالگر است)

در این عبارت، شاعربه ابزار موسیقی (کمانچه) جان بخشیده و صفت سخن گفتن که عملی انسانی است، را به او داده است. درواقع شاعر حالت درونی خود را به موسیقی غمگینی همانند ساخته است که با او به نجوی نشسته است و این بیانگر شوق و اشتیاق شاعر نسبت به سرزمینش است، به طوری که با اشیاء بیجان به همزادپنداری<sup>۴</sup> پرداخته است؛ وی با این استعاره که ظرفیت بالایی در شکستن مرزهای زبانی و واقعیت دارد مرز بین انسان و طبیعت و اندیشه و شیء را برداشته، (فتوحی رود معجنی، ۱۳۸۵: ۱۵۵) بر تشخیص زبان شعری خود افزوده و سبب ایجاد آشنایی‌زدایی در شعر شده است.

تَقُولُ الرَّيْحُ... كَيْفَ؟.. وَ أَيْنَ؟! يَا! وَيُحَيِّمُ الصَّمَمَ (هاشم رشید، ۲۰۰۲: ۵۰۷/۱) /الأَرْضُ تَهْتَفُ: مَرْحَبًا! وَ تَنِيهُ بِالْوَجْهِ الصَّبُوحِ.. / يَا أُمَّنَا انْتِظِرِي أَمَامَ الْبَيْتِ إِنَّا عَائِدُونَ / مَاذَا طَبَّحْتَ لَنَا؟ (همان: ۷۶۸/۱).

(باد می‌گوید... چگونه؟.. و کجا؟! ای! / و ناشنوایی سایه میافکنند و همه‌جا را فرامی‌گیرد/زمین بانگ برمی‌دارد و (می‌گوید: خوش‌آمدید و به خاطر (استقرار معشوق) زیبا چهره بر آن به خود میبالد.../ مادر! در جلو خانه منتظر ما باش؛ داریم برمیگردیم، چه غذایی برای ما آماده کرده‌ای؟). در این سطرها، هم‌رنگی و یکدلی طبیعت با شاعر و مبارزان، سردادن فریاد آزادیو گشودن درب انتظار توسط مادران فلسطینی که چشم‌به‌راه عزیزانشان هستند با بهره‌گیری از شگرد تشخیص به زیبایی تصویر شده است. وی با عدول از بیان متعارف و بهره‌گیری از قدرت تخیل شاعرانه، دنیای آشنای مخاطب را غریب و نگاه وی را برای دریافت معنا برانگیخته و دست به هنجار گریزی معنایی زده و به زبان شعری تشخیص و برجستگی داده است.

هُنَا الْأَقْصَى الْحَزِينُ الْوَجْهَ، / مَكْلُومٌ، وَ مَقْهُورٌ.. (همان: ۶۵۳/۱).

(اینجا اقصی غمگین، زخم‌خورده و مورد ستم واقع شده است).

در این سطور نیز "اقصی" مستعار له، "انسان" مستعار منه و محذوف، و "حزین الوجه، مکلوم و مقهور" قرینه و از صفات انسانی هستند. شاعر با جان بخشیدن به مسجدالاقصی آن را همانند انسانی ساخته که بر اثر حرمتشکنی صهیونیست‌های غاصب و ظلمی که بر مردم آنجا روا میدارند

غمزده و اندوهناک گشته است. در نظر شاعر اندوه مسجد الاقصی احساسات دیگر پدیده‌های طبیعی را برانگیخته و همگی یک‌صدا فلسطینیان و مسلمانان را جهت آزادسازی آن فرامیخوانند.

أَيْنَمَا سِرْنَا تَنَادَيْنَا التَّلَالَ / وَالرَّوَابِي الحُضْرُ تَدْعُو وَجِبَالُ / وَشَدَى الزَّهْرُ وَعِطْرُ البَرْتَقَالِ (هاشم رشید، ۱: ۱۳۶/۲۰۰۵).

(به هر سو برویم تپه‌ها، چمنزارهای سبز و کوه‌ها و بوی خوش گلها و رایحه پرتقال مارا ندا میزنند).

شاعر در اینجا با ذکر فعلهای "تنادی" و "تدعو" و اسناد آن به پدیده‌های طبیعی همچون: تپه‌ها، چمنزارهای سبز، کوه‌ها، بوستانها و گلستان‌ها به همزادپنداری پرداخته است. همزادپنداری این عناصر باشاعر برگرفته از احوال و اوضاع تلخ حاکم بر سرزمین اوست؛ روح شاعر در عناصر طبیعت نفوذ کرده و فریاد بازگشت به وطن که آرزوی دیرین اوست بر لب تمام عناصر آن جاری نموده‌تا حدودی که این عاطفه انسانی شور و لذت مخاطب را برمی‌انگیزاند و «این‌گونه است که میان هنرمند و دنیای خارج همدلی و همزادی پدید می‌آید و تصویر، ظرف عواطف و احساسات شاعری شود» (فتوحی رود معجنی، ۱۳۸۵: ۶۸) به گونه‌ای که آن را از زبان مناره‌ها و زمین و... نیز بازگو می‌کند:

وَتَتَّوَّحُ مَا ذُنُّنَا فِي القُدْسِ / وَ فِي كُلِّ فِلِسْطِينِ ... / تَتَّوَّحُ ... / وَ تَبْكِي ... / أَيْنَ العَرَبُ وَأَيْنَ الدِّيْنِ، وَأَيْنَ جُنُودِ اللَّهِ، / أَيْنَ جُنُودِ صَلاَحِ الدِّيْنِ؟ (هاشم رشید، ۱: ۷۳۹/۲۰۰۵).

(مناره‌های ما در قدس شیون سر می‌دهد/ و در تمام سرزمین فلسطین زاری می‌کند/ و گریه می‌کند و میپرسند: عربها کجایند؟ دین‌داریکجاست؟ لشکر خدا کجاست؟ سربازان صلاح‌الدین کجایند؟)

در این سطرها شاعر با استفاده از استعاره مکنیه (تشخیص) نوحه کردن و شیون سردادن که از ویژگیهای انسانی است رابه مناره نسبت داده است. تصاویر زنجیرهای آفریده شده از تکرار فعل "تنوح" و به دنبال آن ذکر فعل "تبکی"، اسناد آنها به کلمه "مآذن" نیز تکرار کلمه پرسشی «این» که از معنای معجمی خود خارج شده، همگی بر اندوه اجتماعی این شاعر اسلامگرا دلالت دارند. ترسیم گذشته درخشان و مقایسه آن با اوضاع مصیبت بار کنونی کشورهای عربی و اسلامی هدفی است که هارون هاشم می‌خواهد از طریق این معادلهای موضوعی برای خواننده بیان کند.

شاعر در جایی دیگر زمین را به مثابه انسانی در نظر گرفته که از خشم تنبلی و کاهلی عرب به ستوه آمده و خطاب به ساکنان خودباخته، دشمنان و اشغالگران سرزمینش می‌گوید:

فَهِيَ تَلْعَنُكُمْ/وَالنَّارُ تَأْكُلُهُمْ (همان: ۷۳۲/۱-۷۳۳).

سرزمین فلسطین به شما لعنت می‌فرستد و آتش دوزخ (دشمن) آنها را می‌بلعد.

## ۲-۲-۲ تشخیص امور انتزاعی و مجرد

هاشم رشید جهت به تصویر کشیدن مسئله فلسطین و درد و رنج ساکنان آن در کنار تشخیص امور عینی، به جان‌بخشی به امور انتزاعی پرداخته است. در نزد او مرگ که امری مجرد و انتزاعی است فریاد می‌زند و باد زوزه می‌کشد:

هَتَفَ المَوْتُ وَ هُوَ نَابٌ وَظُفْرٌ/ لَأَمْفَرٌ مِنْ قَبْضِي لَأَمْفَرٌ/ وَعَوْتُ تَصْرُخُ الرِّيَاحُ وَ هَبَّتْ/ عَاصِفَاتٌ جَمُوحَةٌ لَأَتَقَرُّ (هاشم رشید، ۲۰۰۵: ۳۵/۱).

مرگ در حالی که سراسر چنگال و نیش بوده فریاد زد/ که از دستان من هیچ راه فراری در کار نیست/ و باد زوزه‌ی بلند کشید/ و گردبادهای سرسخت که قابل کنترل نبودند شروع به وزیدن نمودند. میتوان گفت که مستعارله (مرگ) و مستعارمنه (حيوان درنده) است که شاعر به ذکر قرینه آن "ناب و ظفر" اکتفا کرده است. از طرفی دیگر، چنانچه قرینه "هتف" باشد، مرگ را به انسانی تشبیه شده که فریاد می‌زند. شاعر با تکیه بر تخیل شاعرانه‌ی خود توانسته به صورتی زیبا، در یک عبارت از دو استعاره جهت بیان معنای مورد نظرش استفاده کند.

در بیت‌دوم نیز استعاره وجود دارد، بادها (مستعار له) مذکور و گرگ (مستعار منه) محذوف و زوزه کشیدن (عوت) از وابسته‌های مستعارمنه است که برای مستعارله به عاریت گرفته شده است. شاعر از حجم مشکلات و زندگی سخت مردم سخن می‌گوید و مرگ را به حیوان درنده‌ای همانند ساخته که دارای چنگال و ناخن است و هیچ راه فراری از چنگالهای برنده آن نیست؛ و همچنین باد را به گرگ‌درنده تشبیه نموده که قبل از حمله شروع به زوزه کشیدن می‌کند و آماده حمله و از بین بردن همه چیز میشود. شاعر در واقع حقیقت انسانهای گرگ صفت و ظالم که هیچ‌گونه رحمی ندارند را به تصویر می‌کشد، اوضاع نابسامان فلسطین را بازگو می‌کند که مرگ از هر طرف به سراغ آنها می‌آید، به طوری که راه فراری از آن، وجود ندارد؛ یهودیان غاصب و گرگ صفت که سرزمین آنها را اشغال کرده‌اند همچون درندگان هستند که بیرحمانه بر آنان حمله کرده و آنها را بی‌خانمان و آواره کرده‌اند. دریافت استعاره‌های به کاررفته در این عبارات که بر اساس عنصر تشخیص بوده، منوط به کاوش مخاطب است و در نهایت به لذت ادبی منجر می‌شود.

در جایی دیگر خوشبینی او به آینده با تکیه بر فن تشخیص چنین به تصویر کشیده می‌شود:

فَمَا نَأْمَتْ أَمَانِينَا (همان: ۷۲۷/۱).

(آرزوهای ما نخواهید یعنی همیشه آرمان‌گرا بودیم و آرزو داشتیم).

آرزوها به انسانی امیدوار همانند شده‌اند؛ به این صورت که «آمانینا» (مستعارله) ذکر، انسان (مستعارمنه) حذف‌و خواب که از مناسبات و ویژگیهای انسانی آورده شده است. شاعر ویژگی خواب نرفتن را که ویژگی انسانی است برای آرزوها که شیء بیجان و امری مجرد و انتزاعی است نسبت داده و با کمک استعاره تشخیص، از زبان عادی گفتار عدول کرده و سبب برانگیختگی و هیجان خواننده شده و وی را به تأمل و اندیشه در این بیان واداشته است. اگر شاعر در قالب زبان گفتار عادی میگفت: امیدمان را از دست ندادیم توجه خاصی از سوی خواننده به آن نمیشد؛ اما وقتی که خواب را برای آرزو و امیدآورده، زبان هنجار را شکسته و دست به آشنایزدایی معنایی زده است.

### نتیجه گیری

با توجه به اهمیت تکنیک آشنایزدایی در شعر معاصر عربی در این پژوهش به بررسی این شگرد در اشعار هارون هاشمرشید پرداخته شده است. نتایج حاصل از بررسیهای انجام شده از این قرار است:

- از میان عناصر آشنایزدایی معنایی، عنصر استعاره در قالب آرایه تشخیص، بیشتر مورد توجه شاعر قرار گرفته است، شاعر علاوه بر تشخیص‌پدیده‌های طبیعی و جامدات بیجان، همچون سنگ، تپه، کمانچه، مسجد و غیره به تشخیص امور انتزاعی و مجرد همچون مرگ و آرزو پرداخته و با نیروی تخیل خویش بین آنها پیوند عاطفی برقرار کرده و بر قدرت تأثیرگذاری افزوده است.

- شاعر در بیان شور و اشتیاقش نسبت به وطنو به‌تصویرکشاندنگوشه‌هایی از پیامدهای اشغال آن، با اشیاء بیجان به هم‌زادپنداری پرداخته و با این امکان فنی زبان درست است که لایه‌های معنایی پنهان شده و در نتیجه فرآیند ادراک آن به تأخیر افتاده، ولی در واقع به سبب کشف روابط تازه در محور همنشینی کلام موقعیتهای استعاری جدیدی خلق کرده و باعث شگفتی خواننده شده است.

- هاشم رشید به عنوان شاعر اسلامی توانسته با دخل و تصرف در حوزه معنایی سخن و خارج کردن کلمات از مواضع طبیعی و معنای قاموسی خود به دنبال بازسازی و بازتولید مفاهیم ایدئولوژی مکتب اسلامی معاصر به طور کل و مفهوم پایداری به شکلی ویژه است. بدین گونه که او با توانایی خود سعی در خلق چشم اندازهای تازه و عاطفی کردن قلمرو

حوزه ایدئولوژیک و مفهوم کلیشهای پایداری است و در این راستا تلاش ذهنی مخاطب برای درک تجربه‌ای نامأنوس با خود همراه کرده است.

## پی‌نوشت‌ها

۱- پارادوکس (Paradox) یا مهمل‌نما یا متناقض‌نما، در اصطلاح، کلامی است که در ظاهر حاوی مفهومی متناقض است. به طوری که در وهله اول پوچ و بی‌معنی به نظر می‌آید اما در پشت معنی ظاهری حقیقتی نهفته است که از طریق تناقض ظاهری جمله، دقت خواننده یا شنونده را در کشف زیبایی متن بسیار بالا می‌برد مانند سخن شفيعی کدکنی: جایی که نان گرسنه شد و آب تشنه زیست. گاهی مفهوم یک جمله‌ی پارادوکسی خلاصه و فشرده می‌شود و به صورت ترکیبی درمی‌آید که در عین حال حاوی دو مفهوم متناقض است. این ترکیب‌ها اغلب تصویرهایی می‌سازند که در نهایت ظرافت و دقت، از زیبایی فراوان برخوردارند و نشانه‌ی وسعت خیال گوینده و احساس بیان ناپذیر او هستند. تصویرهایی را که از این ترکیب‌ها حاصل می‌شود تصویرهای پارادوکسی می‌نامند (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۶۳).

۲- زمانی که رومیان شهر زبطه را فتح کردند، بعد از آزار و اذیت مردمانش زنی فریاد برآورد «وامعتصماه»، می‌گویند در این هنگام معتصم کاسه آبی که دستش بود را بر زمین گذاشت و دستور لشکر کشی به این شهر را داد و عموریه را فتح کرد (الاسکندرانی و دیگران، ۱۹۵۵: ۷۸). این عبارت (وامعتصماه) به شیوه‌های گوناگون و با دلالت‌های معنایی مختلف توسط تعدادی از شاعران معاصر عرب به گار گرفته شده است.

۳- حس آمیزی (Synaesthesia) یکی از مباحث فن بیان واز انواع مجاز است و آن نسبت دادن محسوسات یکی از حواس پنج‌گانه است به حسی دیگر، برای مثال وقتی ترکیب سکوت سنگین را به کار می‌بریم، دو حس شنوایی و لامسه را با هم آمیخته‌ایم، یعنی سکوت را به جای اینکه با گوش حس کنیم، با دست لمس کرده‌ایم و آن را سنگین یافته‌ایم. شاعران مکتب معروف به نمادگرایی از جمله هدوشاعر فرانسوی، شارل بودلر و آرتور رمبو بیش از همه حس آمیزی را به کار برده‌اند. حس آمیزی یکی از راه‌های ایجاد موسیقی معنوی در شعر است.

آه، بگذار من، چو قطره‌ی بارانی باشم در این کویر / که خاک را به مقدم او مزده می‌دهد... با قطره / قطره / قطره خورش / موسیقی مکرر ویکریز برف را ترجیعی ارغوانی می‌بخشد «شفیعی کدکنی». در اینجا قطره‌های خون که دیدنی است، چون ترجیعی (که شنیدنی است) ارغوانی حس شده، همچنانکه از برف که دیدنی است به موسیقی که شنیدنی است، تعبیر شده است (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۱۱۵؛ داد، ۱۳۸۲: ۱۹۷).

۴- همزادپنداری تجربه‌ای عاطفیاست که به موجب آن انسان خود را با آنچه که مشاهده می‌کند یکی می‌داند و گویی در حواس فیزیکی موضوع مورد مشاهده، مخصوصاً در حواس مربوط به حرکات و حالات آن مشارکت می‌یابد؛ به عبارت دیگر انسان در تجربه درون حسی از یکشیء بی‌جان یا موجود دیگر خود را با آن یکی می‌داند (داد، ۱۳۸۲: ۲۱۸).

## منابع و مصادر

- الإسكندرانی و دیگران (۱۹۵۵). *المنتخب من الأدب العربي*. ج ۳. القاهرة: وزارة المعارف العمومية.
- بیاری، سناء (۲۰۰۶). «الأبعاد الموضوعية والفنية في شعر هارون هاشم رشيد». پایان‌نامه ارشد. استاد راهنما: ابراهیم تمر موسی. دانشگاه: بیرزیت.
- الجیوسی، سلمی الخضراء. (۱۹۹۷). *موسوعة الأدب الفلسطيني المعاصر*. چاپ اول. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- داد، سیمیا (۱۳۸۲ش). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. ویرایش جدید. تهران: مروارید.
- الراضی، عبدالحکیم. (۱۹۸۰م). *نظرية اللغة في النقد العربي*. القاهرة: مكتبة الخانجي.
- الشتیوی، صالح علی (۲۰۰۵م). «ظاهرة الانزياح الأسلوبي في شعر خالد بن يزيد الكاتب». جامعة دمشق. دوره ۱۲. شماره ۳ و ۴، صص ۳۸-۹۰۱.
- رشید، هارون هاشم (۲۰۰۵م). *الأعمال الشعرية (۱)*. عمان: دارالمجدلاوي.
- رشید، هارون هاشم (۲۰۰۸م). *الأعمال الشعرية (۲)*. عمان: دارالمجدلاوي.
- رضایی، غلام‌عباس؛ نامداری، ابراهیم؛ احمدی، علی‌اکبر (۱۳۹۲ش). «آشنایی‌زادایی و نقش آن در خلق شعر». *ادبعربی*، دانشگاه تهران، سال ۵، شماره ۲، صص ۶۹-۸۸.
- ریتشاردز، آرمسترونغ. (۲۰۰۲م)، *فلسفة البلاغة*. مترجمان: سعیدالغامی و ناصر حلاوي. بیروت: دار آفریقا الشرق.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۸ش). *صور خیال در شعر فارسی*. تهران: آگاه.
- العالم، محمود أمين و دیگران (۱۹۸۸م). *في قضايا الشعر العربي المعاصر دراسات وشهادات*. تونس: المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم.
- عبدالنور، الجبور (۱۹۸۴م). *المعجم الأدبي*. بیروت: دارالملايين.
- علوی‌مقدم، مهیار (۱۳۷۷ش). *نظریه‌های نقد ادبی (صورت‌گرایی و ساختارگرایی)*. تهران: سمت.
- فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۸۵ش). *بلاغت تصویر*. تهران: سخن.
- فوغالی، وهیبة (۲۰۱۲م). «الانزياح في شعر سمیح القاسم». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: محمد الهادی بوطارن. دانشگاه: آکلکی دانشکده ادبیات و زبان‌ها: الجزایر.
- کوهن، جان. (۱۹۸۶م). *بنية اللغة الشعرية*. مترجمان: محمد الولي؛ محمد العمري. چاپ اول. المغرب: دار توبقال للنشر.



المسدي، عبدالسلام (۲۰۰۶م). *الأسلوية والأسلوب*. بيروت: دارالكتاب الجديد.  
ويس، أحمد محمد (۱۴۱۶ق). *الانزياح بين النظريات الأسلوية والنقد العربي القديم*. سورية:  
دانشگاه حلب.  
میرصادقی (ذوالقدر)، میمنت (۱۳۸۸ش). *واژه‌نامه‌ی هنر شاعری*. چاپ چهارم. تهران: کتاب  
مهناز.